



شهباز پاشازاده شیران، یکی از کارکنان قدیمی راه آهن ایران
یک قرن با قطار زندگی کرد

ریزعلی خراسان

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا



اهالی مجتمع چشم انداز کوهسنگی
بعد از ۱۰ سال دوندگی، مجوز ساخت مسجد گرفتند
کفش های آهنی به محراب رسید

۶

اهالی محله آب و برق از وضعیت تردد خودروها
در معبر پیررفت و آمد محله شان گلایه دارند
ترافیک سرسام آور در سامانیه

۲

بوستان محلی آب و برق
نقلی اما باصفا و امن است
«سوسن»، محبوب اهالی بولوار حافظ

۷



اهالی محله آب و برق از وضعیت تردد خودروها در معبر پررفت و آمد محله شان گلایه دارند

ترافیک سرسام آور در سامانیه

رضاریایی در خیابان سامانیه منطقه ۹ به دلیل تراکم مراکز درمانی، داروخانه‌ها و خدمات رفاهی متعدد مثل کافه و رستوران، همواره تردد خودروها زیاد و ترافیک سنگین است. این موضوع به ویژه در نقطه تلاقی خیابان سامانیه با بولوار وکیل آباد، به شکل گیری گره‌های ترافیکی شدیدی منجر می‌شود. رفت و آمد خودروهایی که از دو مسیر مخالف قصد ورود و خروج از خیابان سامانیه را دارند، موجب اختلال در جریان ترافیک و تلافی وقت شهروندان می‌شود. این معضل که گاهی با تنش‌های جزئی بین رانندگان همراه است، لزوم توجه جدی به مدیریت ترافیک این محدوده را بیش از گذشته آشکار می‌کند.



دنده عقب بگیری، مشکل حل است!

ساعت ۶ عصر گذشته است و خودروها طبق معمول در ابتدای خیابان سامانیه در هم گره خورده‌اند. سر راننده‌ها از پنجره بیرون است و هر کدام به ماشین مقابل خود می‌گویند اگر مقداری دنده عقب بگیرد، مشکل حل می‌شود و آن‌ها می‌توانند عبور کنند!

مشتری هرروزه کافه ابتدای خیابان سامانیه که خودش را شبیر شهریاری معرفی می‌کند، سری تکان می‌دهد و به ما می‌گوید: هرروز وضع همین است. البته همین که راننده‌ها از خودرو پایین نمی‌آیند و بقیه هم رانمی‌گیرند، جای شکر دارد! از ورودی وکیل آباد تا تقاطع اول که حدود پنجاه متر است، برای خودروهایی که از سمت بولوار به داخل خیابان سامانیه می‌آیند، مجاز است و ماشین‌های مقابل، در واقع دارند تخلف می‌کنند.

شهریاری معتقد هستند با اعمال طرح‌های هندسی جدید در ابتدای خیابان سامانیه از وجود گره‌های ترافیکی می‌توان جلوگیری کرد. در این گیرودار با یکی از رانندگان متخلف صحبت می‌کنیم. او با نا احوالی به ما می‌گوید: مسیر پنجاه متر بیشتر نیست؛ بگذارید رد شوم! هزار کار دارم. شما توقع دارید من از طریق کوچه هنرستان ۲ وارد بولوار هنرستان شوم و از آنجا به سمت بولوار وکیل آباد حرکت کنم؟ این طوری چند دقیقه رانندگی بی‌ثمر به مسیر من اضافه می‌شود!

اصلاح هندسی معبر ضروری است

مژده صالحی، یکی از اهالی است که هرروز طعم گرفتاری در این ترافیک رامی‌چشد. او به ما می‌گوید: اول اینکه باید تابلوهای ورود

ممنوع و مسیر یک طرفه در ابتدای خیابان سامانیه نصب شود. شاید برخی از شهروندان بار اولشان باشد که از این مسیر عبور می‌کنند. از طرف دیگر بایستی خودروهایی که از سمت خیابان سامانیه به سمت بولوار وکیل آباد در حال حرکت هستند با اصلاح هندسی جدید به سمت داخل معبر هنرستان ۲ راهنمایی شوند و از آنجا به سمت بولوار وکیل آباد حرکت کنند. هیچ راه دیگری برای جلوگیری از تشکیل این گره ترافیکی وجود ندارد. به نظر من، راننده‌های کمی هستند که به اختیار خودشان، مسیر را دور می‌کنند، مگر اینکه مجبور به انجام این کار باشد.

نصب بولارد برای هدایت خودروها

معضل گره ترافیکی ابتدای بولوار سامانیه را با رئیس اداره حمل و نقل و عمران شهرداری منطقه ۹ در میان می‌گذاریم. سید هادی صالحی

در این باره توضیح می‌دهد: برخی از اهالی معتقدند که ما باید بخشی از خیابان سامانیه حداقل ابتدا تا معبر سامانیه ۹ را یک طرفه کنیم که این موضوع در شورای ترافیک پذیرفته نشد. موضوع بعدی، اصلاح هندسی و نصب بولارد در ابتدای خیابان سامانیه است که به کمک آن‌ها، خودروهایی که به سمت بولوار وکیل آباد در حال حرکت

هستند، به سمت معبر هنرستان ۲ تغییر مسیر می‌دهند. درباره این موضوع با سازمان ترافیک شهرداری مشهد نامه نگاری کردیم و منتظر جواب نهایی و بازدید میدانی آن‌ها هستیم.

صالحی ادامه می‌دهد: در صورتی که تابلوهای ورود و خروج به معبر کنده شده باشد، مجدد تابلوها نصب خواهد شد.

برخی از اهالی معتقدند که ما باید بخشی از خیابان سامانیه حداقل ابتدا تا معبر سامانیه ۹ را یک طرفه کنیم که این موضوع در شورای ترافیک پذیرفته نشد



ریاحی شهردار منطقه ۹ از اتمام طرح اصلاح الگوی کاشت و تبدیل فضای سبز میانی خیابان شهید صارمی، حداقل میدان کوثر تا چهارراه هاشمیه به فضای خشک منظر خبر داد.



الگوی کاشت در یکی از شریان‌های اصلی منطقه ۹ اصلاح شد
پایداری فضای سبز در بحران کم‌آبی

حجت فرقانی با اشاره به اهمیت مدیریت هوشمندانه در فضای سبز شهری گفت: در راستای تحقق اهداف مدیریت سبز و با هدف بهینه‌سازی مصرف آب، طرح اصلاح الگوی کاشت در محور پرتدد بولوار شهید صارمی با موفقیت به پایان رسید.

وی با تشریح جزئیات این پروژه افزود: در این طرح، ضمن جمع‌آوری چمن که نیاز زیاد به آبیاری دارد، گونه‌های مقاوم و سازگار با اقلیم مشهد از جمله درختچه‌های گل‌توری و ارغوان جایگزین شد.

به گفته شهردار منطقه ۹ با اجرای باغچه صخره‌ای به صورت سنگ فرش، گل‌های دائم و گیاهان پوششی مقاوم به کم‌آبی، نه تنها زیبایی بصری این محور دوچندان شده، بلکه گام مؤثری در راستای ترویج طرح‌های خشک منظر و کاهش چشمگیر هدررفت منابع آبی در این حوزه برداشته شده است.

فرقانی در پایان افزود: این پروژه، بخشی از برنامه کلان منطقه برای پایداری فضای سبز است و به نظر ما ضمن استفاده از کمترین مصرف آب، باید طراوت و سرسبزی در همه معابر منطقه حفظ شود.

میز دوام‌ثامنی هادرات اجتماعات محله رضاشهر

با هدف ارتقای آگاهی شهروندان و توسعه فرهنگ آمادگی در برابر حوادث و بحران‌ها، تیم دوام‌ثامن منطقه ۹ با حضور در تجمعات شبانه و ایستگاه میز خدمت شورای اجتماعی محله رضاشهر، خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به شهروندان ارائه کرد. آن‌ها موضوعاتی مانند مدیریت بحران، کمک‌های اولیه و آمادگی در شرایط اضطراری را تشریح کردند.



دوره‌می حال خوب کن بانوان منطقه ۹

دوره‌می نمایندگان بانوان شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۹ در مؤسسه «تفکر آبی» برگزار شد. در این برنامه، موضوعاتی همچون کارآفرینی و رشد فردی، راهکارهای ایجاد حال خوب، افزایش تاب‌آوری در شرایط بحرانی، شناخت و ترمیم آسیب‌ها و زخم‌های احساسی، اوقات فراغت و خانواده در فضایی صمیمی مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت.

موفقیت دختران حاج قاسم

گروه سرود «دختران حاج قاسم» با اجرایی درخشان، موفق به کسب مقام برتر در جشنواره «رجزخوان شو» در بخش سرود شد. این موفقیت ارزشمند حاصل تلاش، پشتکار و استعداد اعضای گروه و همچنین هدایت و آموزش سمیه مخلصیان، مربی گروه سرود و نماینده بانوان شورای اجتماعی محله شقایق ۲ است.

شما می توانید اخبار کوچه و محله تان را در پیام رسان ایتا به شماره ۰۸۵۹۶۴۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ ارسال کنید.

۱۰



● شور محرمی در محله رسالت

باشروع دهه اول محرم، هشت موکب عزاداری توسط فعالان فرهنگی و مذهبی محله رسالت برپا می شود. در برخی از آن ها علاوه بر برگزاری مراسم پذیرایی و عزاداری، اجتماعات شبانه هم اجرا خواهد شد. این موکب ها در چهارراه نادر شهر، میدان خلیج فارس و نبش شریعتی ۷۰ قرار دارند. پنج موکب دیگر هم در سطح محله رسالت برپا و هر شب در آن، مراسم عزاداری دهه اول محرم برگزار می شود. این موکب ها در حدفاصل نهضت ۳ و ۵، نبش یوسفیه ۹، حدفاصل میعاد ۷ و ۹، نبش آزاده ۲۲ و نبش شریعتی ۶۶ فعال هستند. برپایی و مدیریت این موکب ها برعهده مساجد صاحب الزمان (عج)، جواد الائمه (ع)، موسی بن جعفر (ع) و علی بن موسی الرضا (ع) است.



● ساخت مسجد بعد از ۱۰ سال انتظار

رضایحی پس از ۱۰ سال انتظار، در دهه اول محرم امسال، بنای جدید مسجد حضرت حمزه سیدالشهدا (ع) در کنار بنای قدیمی به بهره برداری می رسد. عملیات احداث این مسجد که از سال ۱۳۹۵ آغاز شده بود، سرانجام باتکیه بر کمک های مردمی به مرحله نهایی رسیده است. این بنا در سه طبقه طراحی شده و دارای نهصد مترمربع زیربنای شبستان است. پیش از این، جمعیت ۱۰ هزار نفری مجتمع های مسکونی خیابان حجاب ۹۲ تنها از سوله ای کوچک به عنوان مسجد استفاده می کردند که پاسخگوی نیازهای مذهبی و فرهنگی آن ها نبود. به گفته هیئت امنای مسجد حمزه سیدالشهدا (ع)، سازه قدیمی مسجد هم بدون استفاده نمی ماند و در آن از گالری هنری تا برگزاری کلاس های آموزش قرآن، مهارت آموزی و دوره های جوانان استفاده خواهد شد.

● عزاداری محرم در خانه شهدا

مسجد صاحب الزمان (عج) و پایگاه بسیج «عاشقان مهدی (عج)»، در دهه اول محرم، در اقدامی ارزشمند، مراسم عزاداری را در خانه شهدای محله لشکر برپا می کند. تاکنون برگزاری این مراسم در خانه شهیدان محمود مظفری، علی اکبر همت آبادی و خسرو مرادی قطعی شده است و رایزنی با سایر خانواده شهدا جریان دارد. در ادامه برنامه های دهه اول محرم این مسجد، هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء، مراسم دسته روی و سینه زنی از محل مسجد تا محل تجمع شبانه اهالی محله انجام می شود. نکته برجسته این رویدادها، محوریت و مدیریت همه این فعالیت ها توسط جوانان انقلابی است که با هدف زنده نگاه داشتن یاد شهدا و احیای شعائر حسینی صورت می گیرد.



● دسته های عزاداری، مهمان کوچه های محله

ماه محرم امسال، برخی مساجد منطقه ۱۰، سنت دیرینه دسته روی و عزاداری را در معابر محلی زنده کرده اند. تاکنون مساجد امام حسن مجتبی (ع) در بازار حجاب، مسجد حضرت حمزه سیدالشهدا (ع) در حجاب ۹۲ و مسجد امامین عسکریین در حجاب ۷۴ پیشگام این اقدام فرهنگی شده اند. در این طرح، دسته های عزاداری از میدان مساجد حرکت می کنند و به سمت مزار شهدای گمنام بوستان نیلوفر آبی رهسپار می شوند. بانیان این طرح معتقدند حضور هیئت های مذهبی در دل مجتمع های مسکونی و معابر محلی، نقش مؤثری در تشویق اهالی به مشارکت پرشورتر در مراسم دهه اول محرم دارد.



آموزش پدافندی برای اهالی

رویداد آموزشی اصول و مبانی پدافند غیرعامل ویژه اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه ۱۰ برای علاقه مندان برگزار شد. در این دوره اطلاعاتی مانند برداشت خاک نرم و آب برای اطفای حریق، فهرست مراکز درمانی و همچنین آشنایی با آموزش های شهروندی و پیام های ایمنی ارائه شد.

آسفالت نونوار معابر امام هادی (ع)

در راستای بهسازی معابر و ارتقای کیفیت خدمات شهری، عملیات روکش آسفالت در محله امام هادی (ع) به اجرا درآمد که نقش مؤثری در بهبود تردد شهروندان، افزایش ایمنی معابر و ارتقای سیمای شهری این محله خواهد داشت. این اقدام در ادامه برنامه های منطقه ۱۰ برای توسعه متوازن، رسیدگی به مطالبات مردمی و ارتقای زیرساخت های شهری انجامی شد.

کاهش ۴۰ درصدی ابتلا به بیماری سالک

مدیریت شهری منطقه ۱۰ از کاهش موارد ابتلا به بیماری سالک در منطقه خبر داد. طی این گزارش در سال گذشته، هفده مورد ابتلا به سالک در منطقه ۱۰ گزارش شده که نسبت به سال قبل چهار درصد کاهش یافته است. براساس این گزارش از ابتدای سال جدید تاکنون، هیچ موردی از ابتلا به سالک در منطقه ثبت نشده است.



شهر خبر



۱۰



خوش خبری شهردار منطقه ۱۰ برای مالکان اراضی بزرگراه پیامبر اعظم (ص)

دریافت پروانه قطعات بزرگ تسهیل می شود

ریحی شهردار منطقه ۱۰ از تسهیل دریافت پروانه برای مالکان قطعات بزرگ در بزرگراه پیامبر اعظم (ص) خبر داد. وحید برجسته نژاد در حاشیه برگزاری دومین نمایشگاه تخصصی «زمین، مسکن و فرصت های ساخت و ساز» در نمایشگاه بین المللی مشهد بیان کرد: در این نمایشگاه، موضوعات مربوط به بزرگراه پیامبر اعظم مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مالکان قطعات بزرگ که قصد سرمایه گذاری روی پلاک های خود را دارند، می توانند از این فرصت برای تسریع امور استفاده کنند. او در ادامه افزود: حتی در روزهای رکود بازار مسکن، منطقه ۱۰ بازار خوبی در این زمینه داشته است و خیلی از سازنده ها برای فعالیت در این صنعت ابراز تمایل کرده اند.

به گفته برجسته نژاد صنعت ساخت و ساز به عنوان «صنعت مادر» شناخته می شود و به طور متوسط می تواند سیصد تا چهارصد شغل را درگیر کند. شهردار منطقه ۱۰ در پایان گفت: قطعاتی که شهرداری منطقه ۱۰ به عنوان سهم خودش، در جریان استحصال، به دست آورده، شامل دو قطعه زمین در اراضی توسعه مسکن خاوران واقع در چهارراه نادر شهر و در مجاورت بیمارستان ناظران است. هر کدام از این قطعات دارای مساحت تقریبی بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ مترمربع است که برای فروش از طرف شهرداری به صورت مزایده ارائه می شود.



شهباز پاشازاده شیران، یکی از کارکنان قدیمی راه آهن ایران
یک قرن با قطار زندگی کرد

ریزعلی خراسان

فتحی - سیدی | در خانه همه او را آقا، صدای زنده.

مردی که روی مبل نشسته، حرف زدن برایش آسان نیست اما صدایش آرام و بریده بریده و با خس خس زیادی از میان یک قرن زندگی بیرون می آید. شناسنامه و کارت ملی اش می گویند متولد ۱۳۰۴ است؛ یعنی حالیش از یک قرن از عمرش گذشته. اما پسر می گوید پدرش همیشه معتقد بوده سن واقعی اش از این هم بیشتر است. روایت خانوادگی می گوید در آذربایجان شوروی به دنیا آمده، بعد در نابسامانی های جنگ جهانی دوم و انقلاب بلشویکی همراه دایی اش به روستای شیران اردبیل آمده و چند سال بعد برایش سجل گرفته اند؛ سجلی که حالا او را صد و یک ساله نشان می دهد.

شهباز پاشازاده شیران از قدیمی ترین بازماندگان راه آهن ایران است؛ مردی که بخش بزرگی از زندگی اش رانه در یک شهر، بلکه میان ایستگاه به عنوان مباشر خط گذراند. خانه های سازمانی، سوت قطارها، بوی روغن ریل و آهن داغ و صدای چرخ هایی که از دور نزدیک می شوند، برای او فقط خاطره نیستند؛ بخشی از زندگی روزمره اند.

در خانه پاشازاده ها هنوز هم راه آهن حضور دارد. داماد خانواده سال هادر راه آهن کار کرده و بازنشسته شده است. یکی از نوه ها هنوز کارمند راه آهن است و تعدادی از فامیل و وابستگان دیگرش هم روزگاری در راه آهن مشغول به کار بوده اند. دو پسرش اما سرنوشت دیگری داشته اند. یکی از آن ها خلبان هواپرواز بود که سال ۱۳۷۱ شهید شد و پسر دیگری در درگیری با اشرف در شرق کشور جانباز شد و بعد از چند سال به شهادت رسید. عصر خرداد ماه در یکی از کوچه های محله شاهد، مهمان این خانواده شدیم و ایستگاه به ایستگاه به دالان خاطر اتشان سرک کشیدیم.

هر فرزندی از خانواده در یک ایستگاه به دنیا آمد



برای بسیاری از مردم آن نسل، سوار شدن به قطار، تجربه ای دور از دسترس بود؛ اما برای شهباز پاشازاده، قطار خیلی زود به بخشی از زندگی تبدیل شد. او می گوید نخستین بار در ایستگاه سنخواست که کارش را نیز از همان جا شروع کرد. سوار قطار شد. بعد ها هر بار که محل خدمتش تغییر می کرد، خانواده و اسباب زندگی نیز همراه او جابه جایی شدند. تفاوت این جابه جایی با دیگران در این بود که خانواده های راه آهنی اغلب وسایلشان را با واگن های مخصوص حمل می کردند. خانه آن ها هر چند سال یک بار کنار ایستگاهی تازه شکل می گرفت. یک بار در جوبین، بار دیگر در سبزو، زمانی در فریمان و جایی دیگر در مسیر طولانی تهران. مشهد.

پسرش، سخاوت پاشازاده، می گوید: پدرم آن زمان در خانه های سازمانی راه آهن زندگی می کرد. تقریباً هر کدام از بچه های خانواده در یکی از ایستگاه ها به دنیا آمدند. من خودم متولد سبزو ام. شاید کمتر شغلی در ایران وجود داشته باشد که بتواند سرنوشت یک خانواده را تا این اندازه به جغرافیای ایستگاه ها گره بزند.

یک ریل راهبشت نفره بلند می کردیم



امروز ماشین آلات سنگین و تجهیزات مکانیزه بخش عمده کار نصب و نگهداری خطوط را انجام می دهند. اما در روزگار شهباز پاشازاده، کارها روی بازوی انسان می چرخید. او از ریل های ۹ متری و ۱۲ متری حرف می زند؛ از تراورس های چوبی و فلزی، از پیچ و مهره های بزرگی که با آچارهای سنگین بسته می شدند. می گوید: هشت نفر، ده نفر ریل را بلند می کردند. می گذاشتند روی تراورس ها و بعد پیچ و مهره هایش را می بستند. اگر نمی توانستیم، با خنجر ریل ها را جابه جایی می کردیم.

پسرش توضیح می دهد که آچارهای مخصوصی داشتند؛ آچارهایی بزرگ و سنگین برای بستن پیچ هایی که در دور ریل را به هم متصل می کرد. هر روز صبح راهی خط می شدند و تا عصر مشغول کار بودند. هشت ساعت کار مداوم زیر آفتاب تابستان یا سرمای زمستان. آنچه امروز برای مسافران فقط دو خط موازی آهنی است، برای آن ها مجموعه ای از هزاران قطعه و اتصال بود که باید مدام کنترل و تعمیر می شد.

ریزعلی خراسان، مردی که جلو یک فاجعه را گرفت



از میان خاطرات پراکنده ای که در ذهن صدساله او باقی مانده، یکی از همه روشن تر است. سال هایی بود که هنوز راهبانی به شیوه سنتی انجام می شد. در فواصل معین میان ایستگاه ها، راهبان ها مسیر را پیاده طی می کردند. هر نفر چند کیلومتر از خط را زیر نظر داشت و سلامت آن راه نفر بعدی گزارش می کرد. پاشازاده در یکی از همین گشت ها متوجه مشکلی در خط می شود. ریل بر اثر گرما و سرما دچار انبساط و انقباض شده بود؛ اتفاقی که راه آهنی ها آن را «فرار خط» می نامند. اگر قطار با سرعت از آن نقطه عبور می کرد، احتمال خروج از ریل وجود داشت. در همان زمان یک قطار توربو ترن با سرعت در مسیر بود.

پاشازاده می گوید: دویدم. حدود یک کیلومتر جلوتر رفتم تا بتوانم علامت بدهم. درد سشش پرچم راهبانی بود؛ پرچمی یاد و رنگ سبز و قرمز. سبزی یعنی مسیر امن است و قرمز یعنی توقف. او خود را به موقع رساند و قطار متوقف شد. شاید اگر چند دقیقه دیرتر متوجه نقص می شد، امروز کسی از آن حادثه با عنوان «خاطره» یاد نمی کرد.

فرار از توده های هاورسیدن به راه آهن



پیش از راه آهن اما زندگی برای شهباز پاشازاده شیران مسیر دیگری داشت. او از اردبیل به تهران رفت؛ به گفته خانواده، برای دوری از فضای سیاسی و ناامنی های آن دوره و آنچه خودش «فرار از دست توده ای ها» می نامید. جوانی که به تهران رسیده بود، باید برای گذران زندگی کاری پیدا می کرد. مدتی از میدان بار جعبه پرتقال می خرید و دست فروشی می کرد. بعد از مدتی راهی بندر انزلی شد و چون روسی، ترکی و فارسی بلد بود، لب مرز می نشست و برای بازرگانان روسی به زبان روسی و برای ایرانی ها به فارسی و ترکی جواز خروج می نوشت. مدتی هم روی کشتی هایی که برای تعمیر به ساحل می آمدند کار کرد؛ رنگ زدن بدنه های زنگ زده و تعمیرات ساده. اما پس از تمرین چند شغل مختلف، سرانجام به راه آهن رسید؛ شغلی که دیگر تا پایان عمر کاری اش از او جدا نشد.

یکی از بستگان خانواده می گوید: آن زمان نصف کارگرهای راه آهن مشهد - تهران آذری زبان بودند. خیلی ها از همان مسیر وارد راه آهن شدند و نسل های بعدی شان هم در همین مجموعه ماندند. پدر بزرگم هم چون در راه آهن غریب بودند و فامیلی نداشتند، بیشتر فرزندان شان با فرزندان همکارانشان وصلت کردند و به همین خاطر الان خانواده ما یکی از خانواده های بزرگ راه آهن است.

یک «کفش خط» هم می تواند فاجعه بیافریند

راه آهن فقط ریل و قطار نیست؛ مجموعه ای از ابزارها و قطعاتی است که هر کدام می توانند در شرایط خاص به تهدیدی جدی تبدیل شوند. پاشازاده از حادثه ای در ایستگاه جوبین یاد می کند که با مسئولیت پذیری او، به خیر گذشت. «کفش خط» زیر ریل رفته بود؛ قطعه ای فلزی و بسیار سخت که برای متوقف کردن واگن ها استفاده می شود. اگر چنین قطعه ای در مسیر باقی بماند، ممکن است میان چرخ و ریل گیر کند و باعث خروج واگن از خط شود. او می گوید آن روز کفش خط میان تراورس های چوبی گیر کرده بود. پیدا شدن و برداشتن به موقع آن، از بروز حادثه جلوگیری کرد. در بسیاری از موارد، کار اصلی نیروهای خط، نه انجام کارهای بزرگ، بلکه پیدا کردن همین جزئیات خطرناک بود.

داستان شهادت ۲ پسر

امارتج های این خانواده فقط به سختی کار در راه آهن محدود نمی شود. سخاوت پاشازاده وقتی به برادرش می رسد، صدایش تغییر می کند. شجاعت پاشازاده خلبان هوا نیروز بود. در یکی از مأموریت های او آخر جنگ ایران و عراق، همراه چند نظامی و گروهی از مهندسان آب، راهی منطقه ای کوهستانی در حوالی مسجد سلیمان شد. ماه ها خبری از سر نشینان نبود. حتی شایعاتی شکل گرفت که آن ها به عراق گریخته اند. اما خانواده باور نمی کردند. هفت ماه بعد، پس از جست و جوی های گسترده، بقایای بالگرد در منطقه ای یخ زده پیدا شد. سرما و برف همه چیز را پوشانده بود. سخاوت می گوید: وقتی پیدایشان کردند، معلوم شد همه جان باخته اند. فقط یکی از مهندسان چند روز بیشتر زنده مانده و حتی برای خانواده اش نامه نوشته بود. پیکرها در خرداد ماه پیدا و پس از تشییع، به خاک سپرده شدند. برای پدری که عمرش را در کنار ریل ها گذرانده بود، این یکی از سنگین ترین ایستگاه های زندگی بود. غلامحسین پاشازاده، پسر کوچک تر خانواده، هم در درگیری با اشرف در لیب مرز سراوان جانباخت و بعد از سال ها تحمل بیماری به رحمت ایزدی رفت.

پایی که جاماند

در گوشه دیگری از حیاط، محمدزالی نشسته است؛ داماد خانواده و بازنشسته راه آهن. او نیز سال ها در بخش سیرو حرکت فعالیت کرده است؛ بخشی که کمتر در معرض دید مسافران قرار دارد اما قلب عملیات راه آهن محسوب می شود. کار آن ها تشکیل قطار از واگن های پراکنده، جابه جایی خطوط و هدایت مانورها بود؛ عملیاتی که هنوز هم بخش هایی از آن به دقت و حضور انسان وابسته است. آقا محمد از حادثه ای می گوید که مسیر زندگی اش را تغییر داد و باعث شد او یک پایش را از دست بدهد. سال ۱۳۶۹ بود. برف سنگینی می بارید. هنگام مانور دادن واگن ها، روی پله واگن ایستاده بود. قطار به حرکت درآمد و او با چراغ قوه علامت لازم را نشان داد. اما ناگهان پایش سر خورد. میان سکو و ریل سقوط کرد و چرخ های قطار از روی پایش عبور کردند. زالی می گوید در طول سال های کار، همکاران بسیاری را دیده که در سوانح مختلف جان باخته اند یا آسیب دیده اند؛ حوادثی که مسافران هرگز آن ها را نمی بینند.

آخرین ایستگاه یا ایستگاه آخر

وقتی گفت وگو به پایان می رسد، شهباز پاشازاده شیران هنوز روی تخت چوبی کنار داماد و نوه و دختران و عروس هایش نشسته است. صدواندی سال زندگی پشت سر اوست. از شوروی و اردبیل تا تهران و بندرانزلی. از سنخواست تا جوبین و فریمان و مشهد. از روزهایی که ریل ها را با دست جابه جایی کردند تا امروز که نوه اش در راه آهنی مدرن تر کار می کند. او مردی است که نه در یک خانه، نه در یک شهر و نه حتی در یک شغل، بلکه در امتداد یک خط زندگی کرده است؛ خطی که از میان کویرها و دشت های خراسان گذشته و سر نوشت چند نسل از خانواده اش را به هم دوخته است. بسیاری از مسافران فقط چند ساعت روی صندلی قطار می نشینند و از کنار ریل ها عبور می کنند. اما پاشازاده بیش از نیم قرن کنار همان ریل ها زندگی کرد؛ آن ها را تعمیر کرد، مراقبشان بود، رویشان راه رفت و گاهی برای نجات جان مسافران در امتدادشان دوید. حالا که صدای او به سختی شنیده می شود، هنوز می توان رد زندگی اش را میان سوت قطارهایی پیدا کرد که از شرق ایران می گذرند.



برای تماشای مستند زندگی
شهباز پاشازاده شیران کد مقابل را اسکن کنید

اهالی مجتمع چشم‌انداز کوهسنگی بعد از ۱۰ سال دوندگی، مجوز ساخت مسجد گرفتند

کفش‌های آهنی به محراب رسید



فهمه شهری‌سال‌های پیش، زمین و محوطه مجتمع مسکونی چشم‌انداز کوهسنگی واقع در پیروزی ۲،۱ پارکینگ ماشین آلات جهاد کشاورزی بود. بعد ها که قرار شد مسکن مهر در آن ساخته شود، مهندسان و ناظران، در فضای محوطه، دو اتاق برای خودشان درست کرده بودند. با آغاز سکونت در مجتمع، ساکنانی که دغدغه برپایی مسجد را داشتند، همین اتاق‌ها را محلی برای برپایی نماز جماعت و انجام امور فرهنگی کردند. حالا ۱۰ سال از آن زمان می‌گذرد و در این مدت بعضی از اهالی محله طالقانی، از جمله زهره قاضی زاده کفش آهنی پوشیدند و کمر همت بستند و بعد از دوندگی‌های پیاپی توانستند این مکان را به عنوان مسجد ثبت کنند. مسجد نورالزهرا^ع مجتمع چشم‌انداز کوهسنگی هنوز هم ساختمان درستی ندارد؛ داریست‌ها و پارچه‌هایی که دور آن‌ها کشیده شده، فضای مسجد را تشکیل داده اما آنچه آن را پابرجا نگه داشته پشتکار و همت اهالی است که با وجود مشکلات، این سنگ را خالی نکردند.

۵۵۵ خانواده بدون مسجد!

قاضی زاده تعریف می‌کند: سال ۹۴ که اینجا ساکن شدم، جلسات دوره قرآن و سبک زندگی را در منزل خودم شروع کردم اما کم‌کم که جمعیت ساکنان زیاد شد، در خانه‌ها جانی شدم و مدام با خود مان می‌گفتم پروژه‌ای به این بزرگی، چرا برای آن مسجد در نظر نگرفته‌اند. او ادامه می‌دهد: وقتی این اتاق‌ها نمازخانه شد، نمی‌دانید چقدر خوشحال بودیم. آن موقع هیچ امکاناتی حتی آب، برق، گاز، آشپزخانه و سرویس بهداشتی نداشت. خانم‌ها خودشان با فلاسک، چای می‌آوردند و بعد نماز از هم پذیرایی می‌کردند.

آن‌ها از همین اتاق‌ها به عنوان مکانی برای کلاس‌های مختلف از جمله قرآن آموزی، سبک زندگی اسلامی، مهدکودک و... استفاده می‌کردند. با اضافه شدن جمعیت و تعداد ساکنان، به ویژه در مناسبت‌هایی همچون محرم و صفر و شب‌های قدر و... فضای کافی نداشتند. پیگیری‌های قاضی زاده نتیجه می‌دهد: ابتدا در قسمتی از زمین، به عنوان مسجد داریست می‌زنند و سرانجام امسال موفق می‌شوند مجوزهای لازم را بگیرند تا ۶۰ متر از زمین محوطه مجتمع را به مسجد و ۵۱ متر را به فضای ورزشی اختصاص دهند.

معصومه نجمی پور می‌گوید: یازده سال پیش، خانم قاضی زاده بچه شیرخوار چهار ماهه داشت. او را پیش همسایه‌ها می‌گذاشت و از این اداره به آن اداره می‌رفت تا مجوزهای مسجد را بگیرد. بارها و بارها با اتوبوس به تهران رفت. شاید الان به زبان ساده بیاید، اما برای یک امضای دیدید یک ماه دوندگی می‌کرد. چه روزهایی که صبح زود می‌رفت پشت در ادارات تا بتواند فلان مدیر را ببیند.

برپایی نماز جماعت روی برف

«برگ‌ها را جارو می‌زدیم و به نماز می‌ایستادیم. چه بسیار روزهایی که زیر پایمان برف یا بالای سرمان آفتاب سوزان بود اما نماز جماعت‌مان را دایر کردیم.» این‌ها را عصمت آرامش تعریف می‌کند و پشت بندش، همسرش علیرضا ملایی، حرف را به سال‌های عقب‌تر می‌برد و می‌گوید: حدود سال ۱۳۸۰ اینجا یعنی محدوده خیابان آلاله ۱۳ اصلا مسکونی نبود. او قسمت انتهایی زمین را نشان می‌دهد و می‌گوید: آنجا تعمیرگاه‌های ماشین بود. سال ۱۳۵۰ این زمین‌ها متعلق به وزارت جهاد کشاورزی شاهنشاهی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زمین‌ها به جهاد سازندگی تعلق گرفت و زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد قرار شد در آن مسکن مهر ساخته شود.

به گفته ملایی، سال ۹۵ مجتمع ۵۵۵ واحدی چشم‌انداز کوهسنگی به مردم تحویل داده شده است اما از سال ۹۴ که هنوز کامل نبود، بعضی‌ها در آن ساکن شدند. خودش هم جزو همین افراد بوده است.

معصومه نجمی پور دو اتاق مسجد را نشان می‌دهد و تعریف می‌کند: اینجا اتاق ناظران و مهندسان پروژه بوده است. یک بار که داشتیم با زهره خانم قاضی زاده از کنارش رد می‌شدیم، گفتیم چقدر خوب می‌شود اگر اینجا مسجد باشد. از آن موقع خانم قاضی زاده، یکی از اهالی، پیگیر شد. با کمک شهرداری دستی به سروروی اتاق‌ها کشیده شد و اولین نماز جماعت را سال ۹۵ در آن برپا کردیم.

ظرفیت‌های پیش‌رو مسجد

حجت الاسلام والمسلمین محسن قاسمی که امام جماعت این مسجد است، می‌گوید: در حال حاضر حدود ۳ هزار نفر در این مجتمع سکونت دارند و با کلی مشکلات فرهنگی مواجه هستیم. به نظر او مسجد باید سنگر باشد تا بتواند باناهنجاری‌های اجتماعی مقابله کرد. او ساکنان رضا شهر بوده است. حدود هشت سال پیش که امام جماعت اینجا شده، خانه‌اش را به اجاره داده و خانه‌ای در این مجتمع اجاره کرده تا در کنار مردم آن حضور داشته باشد و بتواند نقش مؤثرتری ایفا کند.

قاسمی تأکید می‌کند: تاکنون در همه مناسبت‌ها در این‌جا برنامه‌های متنوع برگزار شده است. حتی از مجتمع‌ها و خانه‌های اطراف شرکت‌کننده داریم. اهالی روضه‌های خانگی‌شان را در مسجد برپا می‌کنند. بازارچه دایر است. کلی کلاس برای بچه‌ها و مادران داریم. پایگاه مقاومت بسیج راه‌انداخته‌ایم. مسجد در مسیر زائران پیاده است و قابلیت این را دارد که در آینده در آن موبک بزنیم.

به گفته او چهل کودک در اینجا قرآن خوان شده اند و سه نفر حافظ قرآن دارند. قاسمی ساخت این مسجد را یک نیاز فرهنگی ضروری می‌داند. خودش هم تاکنون به صورت جهادی پای کار بوده است تا کارهای آن انجام شود.

راه‌انداختن وام محلی برای ساخت مسجد

اسحاق نجمی پور، یکی از ساکنان مجتمع، می‌گوید: خیلی‌ها نمی‌خواستند اینجا مسجد شود. کلی سنگ‌اندازی کردند اما مردم و در رأسشان خانم قاضی زاده کوتاه‌نیا شدند. به گفته او بارها پیش آمده است که مخالفان، سعی بر خراب کردن این فضا داشته‌اند تا پا نگیرد. روزهایی بوده که می‌آمدند و می‌دیدند شیرهای آب را خراب کرده و پارچه‌های دور داریست را پاره کرده‌اند اما مردم سنگر را خالی نمی‌کردند و چراغ آن را روشن نگه می‌داشتند.

همسرش، معصومه خانم، تعریف می‌کند: یکی از خانم‌ها ال‌نگویش را اهدا کرد و با هزینه آن برای داریست‌های مسجد در خریدند. از آن به بعد امنیتش بهتر شد.

قاضی زاده ادامه می‌دهد: سه تا وام قرض‌الحسنه محلی با کمک اهالی برگزار کردیم؛ قسط‌هایش را خانواده‌های ما دادند و پول وام صرف مسجد شد تا بتوانستیم اندک امکاناتی را تأمین کنیم.

قاضی زاده می‌گوید: یازده سال دوندگی کردیم که توانستیم مجوز این مسجد را بگیریم. تا الان هم با کمک اهالی، این مکان گردانده شده اما هزینه‌های ساخت آن، بسیار فراتر از وام‌های خانگی ما و کمک‌های اهالی است و نیاز به پای کار آمدن خیران داریم.

جایگزین کردن برج با مسجد

قاضی زاده ادامه می‌دهد: کاربری محوطه‌ای که الان به مسجد اختصاص پیدا کرده است، در طرح تفصیلی جدید منطقه در سال ۱۳۹۸ به مسکونی تغییر کرده بود و بنا به اظهار مسئولان قرار بود برج بنا شود اما اهالی می‌گفتند با جمعیت فعلی کلی مشکلات فرهنگی وجود دارد. چه برسد به افزایش جمعیت. خدا کمک کرد و موضوع کاربری مسکونی با پیگیری‌های فراوان منتفی شد و آن ۶۰ متر زمین را به ما دادند برای مسجد.

او با یل‌بخندی از سررضایت و شادمانی، می‌گوید: از حدود سه سال پیش، کار روی روال افتاد و در اولین گام، سال ۱۴۰۲ شهرداری داریست به ما داد و دور داریست‌ها را با پارچه پوشاندیم و شد مکان مسجد مان. بعد از آن، کارها راحت‌تر انجام شد و رسیدیم به مجوز فعلی.



پای‌آباد شدن مساجد می‌ایستیم

محمد آقای درویشی سال ۹۹ ساکن محله شده است. او می‌گوید: خانه قبلی مان در بولوار قاقانی بود. آنجا هم اوایل مسجد نداشتیم و در بیان نماز می‌خواندیم. مسجد آنجا که آباد شد، ما به این محله آمدیم و اینجا هم مسجد ندارد. البته مطمئنم با پشتیبانی مردم، ساخته می‌شود.

عصمت خانم در حالی که دست نوه هشت ساله‌اش را در دست دارد، می‌گوید: ما زچگی در مسجد بزرگ شده‌ایم. بچه‌هایمان هم همین‌طور. الان هم برای نوه‌هایمان نیاز به چنین فضایی داریم. زمستان‌ها روی برف و یخ و تابستان‌ها زیر آفتاب سوزان اینجا نماز خوانده‌ایم و بعد از این هم هر طور شده از ساخت مسجد مان حمایت می‌کنیم.

بوستان محلی آب و برق، نقلی اما باصفا و امن است

«سوسن»، محبوب اهالی بولوار حافظ



مکان نما

محل توقف و رفت و آمد بسیاری از رانندگان و کسبه اطراف باشد. در کنار پارک، ایستگاه توقف تاکسی های اینترنتی است که هم از سرویس های بهداشتی و هم منظره خوب پارک استفاده می کنند. کسبه اطراف پارک هم از امکانات این فضای سبز بی نصیب نیستند. یکی از آن ها به نام خلیل ملکی که دو سال است نزدیک پارک مغازه دارد، به منظره خوب آن اشاره می کند و ادامه می دهد: درخت ها را می بینیم و دلمان باز می شود. خدا کند همیشه بارندگی ها مثل بهار امسال باشد و این درخت ها سرسبز بماند.

بوستان کوچک سوسن، پاتوق پیرمرد ها، پیرزن ها، کودکان و مادرانی است که اوقات فراغتشان را در آن می گذرانند و با هم به گپ و گفت می پردازند. دور این بوستان، تعدادی وسیله بدن سازی گذاشته شده است که پیر و جوان از آن استفاده می کنند.

● درختانی با عمر ۵۰ ساله

باغبان خوش اخلاق و مردمی پارک هم علاقه بسیار به بوستان سوسن دارد. او که دوست ندارد آسمش درج شود، به ما می گوید: مادر بوستان های مختلفی خدمت می کنیم. در بعضی جاها آن قدر به خاطر نظافت و تذکر دادن درباره رفتارهای نامناسب، اذیت می شویم که از هر چه پارک است، فراری می شویم، اما اینجا مردم خیلی خوبی دارد. بهداشت را رعایت می کنند و بی آزار و با معرفت اند. به گفته خودش از وقتی به اینجا منتقل شده است، دارد نفس راحتی می کشد. به نظر این باغبان، عمر درختان این بوستان حداقل چهل یا پنجاه سال است.

می گوید: بوستان سوسن تنها فضای سبز بولوار حافظ است؛ برای همین عصرها خانواده های بسیاری خودشان را به این فضای سبز می رسانند و از این مکان تفریحی استفاده می کنند. خدراشکر محیطش خوب است و افراد نااهل در آن رفت و آمد نمی کنند. فقط تعداد سگ هایی که به اینجا می آورند، زیاد است.

ابراهیم اخوان از بولوار صیاد شیرازی به این پارک می آید. او که هفتاد سال سن دارد، می گوید: پشت خانه مان یک پارک دیگر هست اما محیط آرام اینجا را ترجیح می دهم و با اینکه راهش دورتر است، روزی دو بار به اینجا می آیم. صبح ها با رفقای بازنشسته و عصرها همراه نوه هایم.

● منظره خوب برای ساکنان و کسبه

سرویس بهداشتی عمومی که در پارک قرار دارد، باعث شده است

رضاریابی بوستان سوسن کوچک و جمع و جور است. به قدری که از یک ضلعش می توانی طرف دیگر رفت و آمدهای خیابان را ببینی اما داخلش این قدر صفا و آرامش دارد و خنکای درختان بلندش چنان لذت بخش است که بی خیال بیرون می شوی و چشم می دوزی به سرسبزی ها. بوستان سوسن در رینگ میدان حافظ و محله آب و برق، جزو بوستان های کوچک اما مفید برای اهالی است. برخلاف برخی از پارک های منطقه که نامنی در آن دیده می شود، جو غالب این بوستان آرام است و همین باعث شده که افراد مختلفی از خیابان های دوروبر به آن رفت و آمد داشته باشند و از فضای دل نشینش استفاده کنند.

● بوستان امن و نقلی

این روزها که هوا رو به گرمی است، بوستان های محلی جزو پاتوق های دل نشین اهالی محسوب می شود، به ویژه عصرها و شب ها در برخی از این بوستان ها جای سوزن انداختن نیست. «سوسن» یکی از این بوستان های محلی است که سال ۱۳۹۱ بنا شده و در حدود هزار مترمربع مساحت دارد. زمین بازی کودکان، نیمکت و روشنایی مناسب، مسیر دوچرخه سواری و پیاده روی، آب نما و سرویس های بهداشتی از جمله امکانات این بوستان نقلی و جمع و جور است. با اینکه سرشب است، صدای نشاط و شادی کودکان که در حال تاب بازی و سرسره بازی هستند، به گوش می رسد. از یکی از مادران که در حال تاب دادن دخترش است، درباره شلوغی پارک می پرسیم. صنم محمدی



● مهم ترین سرودهایی که اجرا کرده ای، کدام ها بوده است؟

همراه گروه در مناسبت هایی همچون سال تحویل، تولد و شهادت امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س)، شهادت مرحوم رئیسی، حاج قاسم و خیلی مناسبت های دیگر در حرم رضوی اجرا کرده ایم. در بیشتر این اجراها من تک خوان گروه هستم و خیلی وقت ها اجرایمان به طور مستقیم از شبکه های ۲، ۳ و خراسان رضوی پخش شده است.

● از واکنش مردم، چیزی برایت جالب بوده است؟

عرب ها وقتی اجرایمان را می بینند، به ما عیدی می دهند، به ویژه موقع ولادت امام رضا (ع). مردم خودمان به ویژه زائران، تحت تأثیر حال و هوای معنوی ایبات قرار می گیرند و اشک هایی که از گوشه چشمشان می ریزد، همیشه من را تحت تأثیر قرار می دهد.

● الان سرودی در دست اجرا یا تمرین داری؟

یک سرود هست که قرار است همراه گروه «نسل سلمان»، زمان تشییع رهبر شهیدمان اجرا کنیم. اجرایمان در قالب گروهی تقریباً ۱۲ نفره است و من تک خوان هستم.

● بین اجراهای مختلف کدام را دوست داری؟

اجراهای محرم که یادآور مظلومیت امام حسین (ع) است.

● برنامه های برای محرم و صفر امسال چیست؟

احتمالاً مثل هر سال در مراسم محلی یا حرم رضوی، مداحی خواهیم کرد. ولی چشم انتظار اربعین هستیم تا راهی کربلا شوم و آنجا در بین الحرمین صدایم را خرج سیدالشهدا (ع) کنم.

اجراهای نوجوان مداح محله حجاب، از رسانه ملی پخش شده است

شکوفایی در هیئت های خانگی

امید محله

مسجد امام حسن مجتبی (ع) می رفتیم و الان هم با آنجا در ارتباط هستیم و گاهی اجرا می کنیم. علاوه بر این از وقتی اجتماعات شبانه شروع شده است، بعضی شب ها در اجتماعات به ویژه اجتماع میدان حجاب و بولوار اندیشه اجرا دارم.

● در اجتماعات بیشتر چه چیزی توجهت را جلب کرده است؟

حضور پیرمرد ها، پیرزن ها، جانبازان و افراد بیمار که با وجود ناتوانی و دردهای جسمی زیاد، خودشان را به اجتماع می رسانند. برای مادامی کنند و التماس دعا دارند. این همه صبرشان بر مشکلات و دردها و وفاداری شان به رهبر و نظام همیشه برایم الگویی لذت بخش است.

فهیمة شهری از چهار سالگی در هیئت های خانگی حضور داشته و میکروفون در دست برای ابا عبد... الحسین (ع) خوانده است. امیر علی مظاهری کلاس چهارم دبستان بوده که وارد گروه سرود شده و نقش تک خوان را داشته است. حالا این دانش آموز کلاس دهمی، پای ثابت بسیاری از روضه ها و محافل ماه محرم است و در آن ها مداحی می کند. تعدادی از سرودهایی که این نوجوان محله حجاب اجرا کرده، از تلویزیون پخش شده است. آخرین ضبطی که او در آن شرکت داشته، مربوط به سرودی درباره رهبر شهید بوده که قرار است در زمان تشییع ایشان اجرا شود.

● اولین اجرای رادر خاطر داری؟

چهار ساله بودم که در یکی از هیئت های خانگی، چندبیتی درباره حضرت علی اکبر (ع) خواندم. آنجا انگار صدایم را کشف کردم و دوست داشتم بیشتر بخوانم.

● بین مداحی های موردی بوده که برایت خاطره شده باشد؟

یک مداحی گروهی داشتیم در کربلا. اجرایمان در بین الحرمین و درباره دوری از کربلا بود. خیلی بردلم نشست.

● در مساجد و اجتماعات شبانه هم مداحی می کنی؟

از بچگی همراه پدر و برادرم به مساجد به خصوص



با پیگیری شهرآرامحله، وعده شهردار منطقه ۱۰ عملی شد

بازشدن قفل دوساله بوستان جنگلی فاطمیه



بازخورد

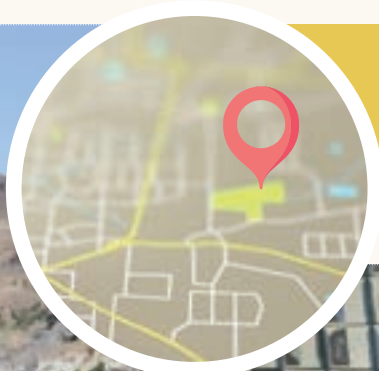


ریاحی ۲۳ مهر سال گذشته بود که گزارشی درباره بوستان جنگلی نیمه‌کاره بولوار فاطمیه در شهرآرامحله منتشر کردیم. اهالی از روند کند احداث این فضای سبز محلی گلایه داشتند. در آن گزارش، شهرداری منطقه ۱۰ اعلام کرد که در انتظار بودجه است و تمام بوستان بانوان ادیب در اولویت پروژه‌ها قرار دارد.

اهالی بولوار فاطمیه اوایل امسال یک بار دیگر با شهرآرامحله تماس گرفتند و خبر دادند که بوستان جنگلی محله شان هنوز نیمه‌کاره مانده و قفل دوساله آن خیال بازشدن ندارد. یک بار دیگر در شهرآرامحله ۲۶ فروردین به این موضوع پرداختیم و این بار شهردار منطقه ۱۰ وعده داد که منابع مالی اجرای پروژه تأمین شده و ساخت این بوستان جنگلی تا دو ماه دیگر به پایان می‌رسد. وعده و حید برجسته نژاد این بار عملی شد و این فضای سبز محلی از هفته گذشته برای استفاده در اختیار اهالی قرار گرفته است.

رضا قدرتی، یکی از اهالی محله لشکر، در تماس با شهرآرامحله گفت: خدا را شکر بالاخره ساخت این بوستان به پایان رسید. مدت‌ها مصالح احداث بوستان زیر آفتاب و باران افتاده بود و بیت‌المال داشت هدر می‌رفت. اما حالا پارکی داریم باروشنایی و نشیمن مناسب که اهالی از داشتنش خوشحال هستند.

محله به روایت شما



○ جمعه این هفته اهالی دلسوز طبیعت در منطقه ۹ به دل کوه زدند و مسیر بوستان باباکوهی تا بوستان خورشید را پاک‌سازی کردند.

تصویر و متن از پریسامروی، دبیر شوراهای اجتماعی شهرداری منطقه ۹

○ نمازگزاران مسجد امام حسن مجتبی (ع) در محله نیروی هوایی به پوییش «مشهد مهربان» پیوستیم. در شب اول این پوییش، بیش‌تر از ۳۰ میلیون تومان جمع شد که رقم شایان توجهی است.

تصویر و متن از مریم توسلی، فعال فرهنگی محله نیروی هوایی



○ گروه سرود «ریحانه بهشتی» از محله هنرستان، شب گذشته مقابل منطقه پدافند هوایی شمال شرق امام‌رضا (ع) رفتند و برای سربازان وطن، سرود حماسی اجرا کردند.

تصویر و متن از نرگس رضایی، فعال فرهنگی محله هنرستان



○ دختران ورزشکار محله هاشمیه در گروهی به نام «دماوند» در برنامه تلویزیونی «کاپیتان» که از شبکه ورزش پخش می‌شود، حضور پیدا کردند و باعث افتخار محله ما شدند.

متن و تصویر از اصغری، فعال فرهنگی محله هاشمیه